



شما اینجا هستید: خانه (/index.php) ▶ درس خارج اصول ▶ مباحث حجج ▶
تقریر مباحث حجج (/index.php/تقریرات-خارج-اصول/مباحث-حجج/2019-04-13-20-51) ▶ تتمیم بحث وثوق به صدور

تتمیم بحث وثوق به صدور

بسم الله الرحمن الرحيم [1]

در مبحث حجیت خبر واحد آیات، روایات و سیره عقلا مورد بررسی قرار گرفت. چهارمین دلیل بر حجیت خبر واحد دلیل عقلی است نه به معنای حکم عقل و تحسین و تقبیح عقلی بلکه مفاد این دلیل آن است که محاسبات عقلی با تصویر یک علم اجمالی و یک انسداد صغیر ما را به حجیت خبر واحد می‌رساند. این دلیل چون فی الجمله امروز هم قائل دارد باید اشاره شود و آثار و نتایجی که از این دلیل در مورد حجیت خبر واحد أخذ می‌شود مورد محاسبه قرار گیرد.

تتمیم بحث وثوق به صدور

قبل از تبیین دلیل چهارم به یک نکته اشاره می‌کنیم در مصادیق وثوق به صدور مثالی مطرح کردیم إذا امرتکم بشیء فأتوا منه ما استطعتم که بعضی وثوق مضمونی استفاده کرده بودند، بعضی دوستان تحقیق کرده بودند و نکاتی داشتند وعده دادیم در پنجشنبه کار کنیم پنجشنبه سفری بود میسر نشد اینجا بحثی را که قبلاً در اصالة الاشتغال هم اشاره کردیم به اختصار بیان می‌کنیم دوستانی که کار کردند این نکات امروز را با تحقیقشان مطابقت دهند.

در مباحث اصالة الاشتغال در اصول عملیه بحث کردیم که اگر جزء یا شرطی در واجب مرکبی متعذر شد، آیا اتیان سایر اجزاء لازم است؟ برای لزوم اتیان سایر اجزاء تمسک شده بود به قاعده میسور که یک قاعده بسیار پر کاربرد فقهی. گفتیم مستند روایی قاعده میسور سه حدیث است که إذا امرتکم بشیء فأتوا منه ما استطعتم؛ المیسور لایسقط بالمعسور و ما لایدرک کله لایترک کله. نسبت به روایت اول گفتیم این حدیث مسند در کتب عامه در صحیح مسلم، مسند احمد و سنن بیهقی آمده است و علماء عامه سلفاً و خلفاً حکم کرده‌اند به صحت این حدیث اما طبق مبانی رجالی شیعه سند حدیث قابل تصحیح نیست، حداقل اشکالش راوی اخیر أبوهیره است که دروغ بستن او به پیامبر اظهر من الشمس است بعضی بزرگان اهل سنت مانند محمود أبوریه صاحب کتاب گرانسنگ أضواء علی السنة المحمدية کتابی نگاشته در نقد شخصیت او با عنوان شیخ المضیرة أبوهیره.

دو وجه برای جبران ضعف سند بیان شده:

وجه اول: اشتہار روایی یا عملی

مرحوم آقا ضیاء عراقی می‌فرمایند و اشتہار هذه الروایات الثلاث بین الأصحاب فی أبواب العبادات تغنی عن التکلم فی سندھا. [2] مرحوم نائینی در فوائد الأصول [3] می‌فرمایند اعتماد اصحاب به این حدیث ثابت است بعد هم یک تعریض دارند به مرحوم عراقی که لازم نیست اعتماد فی کل ابواب عبادات باشد بلکه یک جا هم اصحاب فتوا داده باشند کافی است و مشهور فتوا داده‌اند طبق آن. صاحب عناوین بعد اینکه کاربرد این قاعده را در بسیاری موارد در فقه استقصاء میکنند می‌فرمایند الطعن فیها من حیث السند أنه غیر معتبر فی نفسه و لا موجود فی أصل معتبر، مدفوع بأن شهرة هذه الأخبار فی کتب الفقهاء بل فی السنة الناس من العوام و الخواص مما تورث الظن القوی بصدور هذه الأخبار ظناً علی من الخبر الصحيح بالاصطلاح المتأخر. [4]

عرض می‌کنیم: نسبت به حدیث: "إذا أمرتكم بشيء فأتوا منه ما استطعتم" قبل از شیخ طوسی اعتماد به این حدیث بین اصحاب وجود ندارد. بلکه مرحوم سید مرتضی در رسائلشان در رساله الأخبار المسدّة لمذهب العدلیه [5] این حدیث را مطرح می‌کنند، اما کسی که در این رساله مرحوم سید مرتضی دقت کند روشن است که ایشان در این رساله در صددند در مباحث اعتقادی مانند قضا و قدر، إرادة الله و مشیت، یک سری روایات عامی را که معتقد شیعه و عدلیه را تأیید می‌کند مطرح کنند، به هیچ وجه هم اعتقاد به صحت و اعتبار این روایات ندارند. لذا روایاتی را از حسن بصری می‌آورند یا از ابن سیرین یا از قضاوت‌های خلیفه دوم روایاتی مطرح می‌کنند و می‌گویند این قضاوت هم مطابق با این معتقد ما است، لذا قبل از شیخ طوسی اعتماد احدی از اصحاب را سراغ نداریم. شیخ طوسی و تابعینشان و حتی ابن ادريس در مطالب فقهی‌شان استناد به این روایت نکرده‌اند، مرحوم علامه حلی در برخی از کتب فقهی‌شان روایت را مطرح کرده‌اند اما اینکه علامه حلی برای نظریه خودشان به این روایت استناد کرده‌اند یا نه، استناد هم در کتاب الصلاة بوده یا در مطلق ابواب فقهی است باید بررسی شود، کتاب الصلاة به خصوص ادله خاصه دارد که اگر جزئی از اجزاء صلاة متعذر شد باید سایر اجزاء را بیاورد. بعد علامه حلی جمعی از متأثرین از نگاه مرحوم علامه مانند فخر المحققین فرزندشان و محقق ثانی و شهید ثانی استدلال به این روایت می‌کنند. لذا اصل استناد مشهور و افتاء مشهور بر اساس آن قابل قبول نیست.

اینجا به نکته ای از یکی از اساتید مسجد اعظممان [6] حفظه الله اشاره کردیم در آن بحث اینجا هم می‌گوییم که استاد ما طبق نقل بعض تلامذه‌شان اینجا فرموده‌اند اگر قبول کنیم عمل مشهور جابر ضعیف سند است و اگر قبول کنیم مشهور طبق این روایت عمل کرده‌اند باز هم عمل مشهور چیزی را ثابت نمی‌کند. این کلام عجیب است به نظر می‌رسد مقرر خوب به مطلب نپرداخته ایشان می‌گویند جهتش این است که عمل مشهور به روایت ضعیف السند میتواند سبب وثاقت راوی شود و سند را معتبر قرار دهد، مثلاً روایتی را سهل بن زیاد نقل کرده، مشهور در موارد مختلف به روایت سهل عمل کرده‌اند و عمل مشهور سبب می‌شود بگوییم معتقد به وثاقت او بوده‌اند و عمل مشهور می‌شود توثیق عملی این راوی حال اگر علماء رجال تضعیف داشتند می‌شود تعارض بین این توثیق عملی و تضعیف رجالی و تساقط می‌کنند. مثال می‌زنیم: ابن ابی عمیر از یک راوی نقل کرد می‌گوییم علامت توثیق است، نجاشی اگر او را تضعیف کرد توثیق و تضعیف تعارض و تساقط می‌کنند، اما اگر راوی که توثیق عملی داشت تضعیف نداشت فهو ثقة و به روایت عمل می‌کنیم. ایشان طبق نوشته مقرر میفرمایند حدیث اذا امرتكم بشيء فأتوا منه ما استطعتم در کتب روایی شیعه مسند ذکر نشده بلکه مرسل است، لذا نمیتوانیم بگوییم اعتماد علماء سبب توثیق راوی میشود اینجا اصلاً روایت راوی ندارد لذا عمل فقهاء توثیق عملی سند نیست.

عرض می‌کنیم: از ایشان این مطلب بعید است زیرا عمل مشهور طبق یک یا چند روایت بر دو گونه است گاهی یک راوی مجهول است، فقهاء در أبواب مختلف به روایات او عمل کرده‌اند ما اینجا استفاده می‌کنیم وثاقت راوی را.

گاهی اعتماد مشهور به یک روایت است که اینجا اعتماد مشهور به روایت سبب توثیق روات نیست اصلاً گاهی راوی ابوهیره و سمره بن جندب است و وثاقت روات مطرح نیست بلکه اطمینان داریم فقهاء قرائنی بر وثوق به صدور این روایت داشته‌اند. در ما نحن فیه عمل مشهور از این باب است، نمی‌گویند روایت فقهاء به اذا امرتكم بشيء عمل کرده‌اند پس ابوهیره ثقة است کسی چنین نمی‌گوید تا اشکال کنیم در شیعه مسند نیامده در اهل سنت هم مرسل است نه، همه نکته این است که مشهور از نحلّه‌های مختلف گفته شده به این روایت عمل کرده‌اند پس ما وثوق به صدور پیدا می‌کنیم نه اینکه رواتش ثقات بشوند البته ما گفتیم قبول نداریم و مشهور به این روایت عمل نکرده‌اند بلکه بعد علامه نوعی شهرت شکل گرفته و شهرت قدمائیه نداریم.

وجه دوم: إتقان متن

برای اثبات اعتماد به این روایت این است که بعضی اعلام از تلامذه مرحوم امام اتقان متن روایت را موجب وثوق به صدور می‌دانستند که اذا امرتكم بشيء فأتوا منه ما استطعتم و فرمودند استاد ما مرحوم امام هم در مواردی به اتقان روایت تمسک میکنند که غیر معصوم نمیتواند چنین کلامی بگوید. معیارهای اتقان متن را هم بررسی کردیم و نقد نمودیم. نتیجه گرفتیم بر قاعده میسور روایت اذا امرتكم بشيء فأتوا منه ما استطعتم نمیتواند دلالت کند زیرا نه سند درست است نه اعتماد مشهور به این حدیث درست است.

ذیل اصالة الإشتغال اشاره کردیم دو روایت دیگر هم که مستند قاعد میسور است نه اعتماد اصحاب به آن دو روایت ثابت است نه صحت سندی دارد، از نظر دلالت هم آنجا بررسی کردیم.

[3]. فوائد الأصول، ج4، ص258: معرفة الميسور في الموضوعات الشرعية في غاية الإشكال، و لأجل ذلك قيل: «إنّ التمسك بقاعدة الميسور في العبادات يتوقف على عمل الصحابة» فإنّ الحاجة إلى عمل الأصحاب ليس لجبر السند أو الدلالة، فإنّ السند لا يحتاج جبره إلى العمل بالرواية في جميع الموارد، بل يكفي في الجبر العمل بالرواية في الجملة و لو في مورد واحد، و أمّا الدلالة فالعمل غير جابر لها - كما حقّقناه في محله - فالحاجة إلى العمل في المقام إنّما هو لأجل تشخيص الركن في العبادة ليكون الباقي ميسور المتعذّر، فإنّ من عمل الصحابة بالقاعدة في مورد يستكشف أنّ الباقي كان عندهم ركناً و أنّهم أخذوا ذلك من أنّهم عليهم السلام فتأمل جيّداً.

[4]. عناوين الفقهية، ج1، ص470. ایشان در ادامه می‌فرمایند: و دعوی: أن الشهرة ليست إلا عند المتأخرين، مدفوعة باشتهار الكلمة عند القدماء أيضاً، بل هذا الانتشار بين العوام و الخواص مما يكشف عن كون ذلك في الأعصار السابقة كذلك، بل هذا مما يدل على نوع موافقة لحكم العقل، بمعنى: أن ظاهر كلام أهل العرف و العقل أن هذه القضية إنما هو على مجرى عادة العقلاء، بحيث أن من خالفها فقد خالف أفعال العقلاء، فيكون النصوص واردة مورد التأكيد لقضية العقل، و هذا أيضاً يكون دليلاً آخر على اعتبار هذه القاعدة. و بالجملة: الطعن في الرواية من حيث الانجبار ليس في محله، مضافاً إلى حكاية جماعة شهرة هذه الروايات و كونها مفتی بها عند الأصحاب، مع أنا نرى في أبواب متفرقة في الفقه أفتی «1» الأصحاب في فروع هذه القاعدة، و ليس لهم مستند في ذلك إلا هذه الأخبار، فيكون شهرة في الفتوى و إن لم تكن في الرواية، و هي تصلح جابراً، على ما حقق في محله.

[5]. رسائل الشريف المرتضى، ج2، ص: 244

[6]. آية الله وحيد خراساني. مقرر بحث ایشان آية الله سيد علي ميلاني در تحقيق الأصول، ج8، ص418: ذكر المحقق العراقي أنّ اشتہار الحديث يغني عن البحث السندی. ولكن القول باعتبار، أي خبر من الأخبار يكون إمّا بوجود السند المعتبر أو الوثوق بالصدور، ولا طريق ثالث، والاشتهار حتّى في الكتب المعتبرة لا يكون دليل الاعتبار. اللهم إلا إذا عمل الأصحاب بالرواية، فإنّ عملهم يوجب إعتباره على مبنى القائلين بذلك. هذا أولاً. وثانياً: إنّ عمل الأصحاب بهذه الرواية غير محرز، وفتوى الفقهاء بالإتيان بالميسور في الصلاة دليلها الخبر: «إنّها لا تدع الصلاة على حال» (3)، ولا يوجد دليل في مطلق المركّبات بوجوب الإتيان بغير المتعذّر كالحج. وثالثاً: عمل المشهور لو كان، لا يوجب الاعتبار تعبدًا، وإنّما يكون منشأ للوثوق الشخصي بالصدور، وحصوله هنا في غاية الإشكال، أو يكون توثيقاً عملياً للسند كما قيل، ولكنّه يختصّ بالرواية المسنده، وهذه الرواية مرسله.